



بردار میراث؛

روایت استمرار امانت

به اهتمام:

دکتر مرتضی سلمان نژاد

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام

همکاران (به ترتیب فهرست مقالات):

مرتضی سلمان نژاد، سید محمد رضا امیری طهرانی، طاهر حبیب زاده، امیر ذوقی، داود مهدوی زادگان، حسن بشیر، امید شفیعی قهفرخی، عبدالکریم خیامی، سید جواد حسینی، کمیل فیدرلو، نادر جعفری هفتخوانی، محمد رضا برزویی، حسام الدین آشنا، عادل پیغامی، سید محمد مهدی غمامی، مهدی صادقی شاهدانی، میثم لطیفی، حسن مجیدی، محمد هادی همایون، علیرضا افضلی، محمد رضا مهدوی هزاوه



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: برمدار میراث؛ روایت استمرار امانت

به اهتمام: دکتر مرتضی سلمان نژاد و همکاران

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

صفحه آرا: رضا عبداللهی بجندی

طراح جلد: علی طباطبایی

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: سپیدان تهران

چاپ اول: ۱۴۰۵

قیمت: ۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۱۹-۷

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۳

تلفن: ۰۲۶۹۵۴۶۰۳. تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

E-mail: pub@isu.ac.ir • <https://isupub.ir> فروشگاه اینترنتی

سرشناسه: سلمان نژاد، مرتضی، ۱۳۶۶-

عنوان و نام پدیدآور: برمدار میراث؛ روایت استمرار امانت / به اهتمام:

مرتضی سلمان نژاد و همکاران.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی.

مشخصات ظاهری: ۳۴۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۱۹-۷

موضوع: خامنه ای، سید علی، ۱۳۱۸-۱۴۰۴

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق علیه السلام

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۸۹۰۲۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی،

انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
فصل اول: از امانت تا آینده؛ الگوی مفهومی استمرار میراث امام شهید / مرتضی سلمان نژاد	۲۳
بخش اول: مبانی امانت و بنیان‌های نظری میراث.....	۳۵
درآمد: امانت به مثابه بنیان معرفتی میراث.....	۳۷
فصل دوم: حقوق فطری تبلور امانت الهی / سید محمد رضا امیری طهرانی.....	۴۱
فصل سوم: تأسی تام به «موازن اسلامی» در ساخت مکتب حقوقی توحیدی: میراث ماندگار	
در حوزه تقنین، امانت تاریخی برای آینده / طاهر حبیب زاده.....	۵۱
فصل چهارم: تحلیل قرآنی پرهیز از اختلاف و دودستگی در کلام رهبر شهید / امیر ذوقی.....	۶۳
بخش دوم: حافظه تمدنی، هویت و بازنمایی فرهنگی میراث.....	۶۹
درآمد: از ایده تا هویت؛ سازوکارهای فرهنگی استمرار.....	۷۱
فصل پنجم: الهیات تشییع و استمرار میراث؛ از حافظه شهادت تا آینده امت / داود مهدوی زادگان	۷۵
فصل ششم: از حافظه تاریخی تا میراث زنده: تحلیل نقش جامعه، نهادها و نخبگان در استمرار	
میراث فرهنگی / حسن بشیر.....	۷۷
فصل هفتم: منطق تعلق و امانت هویت: امر غیرقابل مبادله و تجسد تاریخی آن در اندیشه	
شهید آیت الله خامنه‌ای / امید شفیعی قهفرخی.....	۸۹
فصل هشتم: خوانشی فرهنگی - ارتباطی در پاسداشت میراث / عبدالکریم خیامی.....	۱۰۱
فصل نهم: تراث شیعه در تشییع؛ بازتعریف هویت و اقتدار در الگوواره شهادت فقیه حاکم /	
سید جواد حسینی.....	۱۱۱
فصل دهم: استمرار هویت مقاومت بر پایه سوگ، حماسه، عرفان و ادب پهلوانی در فرهنگ	
ایرانی / کمیل قیدرلو.....	۱۲۱

فصل یازدهم: حکمرانی مبتنی برحافظه فرهنگی؛ بازتولید هویت ملی و فرهنگی به مثابه میراث ایرانی - اسلامی ازدیدگاه رهبر شهید / نادر جعفری هفتخوانی ۱۳۱

فصل دوازدهم: زیبایی شناسی مقاومت؛ واکاوی نشانه شناختی کنش غیرکلامی مشتمل گره خورده درگفتمان رهبر شهید / محمدرضا برزویی ۱۵۵

بخش سوم: نهادهای استمرار امانت و الگوهای حکمرانی ۱۶۹

درآمد: از هویت تا نهاد؛ صورت بندی اجتماعی امانت ۱۷۱

فصل سیزدهم: نهاد رهبری به مثابه میراث جاری: ازگفتمان آفرینی تا معماری پیشرفت و امنیت / حسام الدین آشنا ۱۷۵

فصل چهاردهم: تجربه امامت و ولایت در حکمرانی انقلاب اسلامی، مورد اقتصاد / عادل پیغامی ۱۹۷

فصل پانزدهم: اندیشه فسادستیزی در تراث فکری شهید سیدعلی خامنه ای؛ تأملی در حکمرانی سیاسی و حقوقی / سید محمد مهدی غمامی ۲۱۱

فصل شانزدهم: تحلیل سرمایه اجتماعی و اعتماد در اندیشه و بیانات رهبر شهید آیت الله سیدعلی خامنه ای / مهدی صادقی شاهدانی ۲۳۱

فصل هفدهم: میراث حکمرانی امام شهید؛ از مردم سالاری دینی تا بعثت مردم در تمدن نوین اسلامی / میثم لطیفی ۲۵۵

بخش چهارم: آینده تمدنی و استمرار تاریخی امانت ۲۶۹

درآمد: از حکمرانی تا افق تمدنی ۲۷۱

فصل هجدهم: میراث فکر سیاسی رهبر شهید: پایایی؛ پویایی و آینده نگری / حسن مجیدی ۲۷۵

فصل نوزدهم: بعثت آخرالزمان ساز مردم: بازخوانی نسبت امام، امت و خواص در مسیر تمدن نوین اسلامی / محمد هادی همایون ۲۹۳

فصل بیستم: آینده؛ استمرار امانت / علیرضا افضل و محمدرضا مهدوی هزاوه ۳۰۹

نمایه ۳۲۷

فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
فصل اول: از امانت تا آینده؛ الگوی مفهومی استمرار میراث امام شهید / مرتضی سلیمان نژاد ...	۲۳
مقدمه: تاریخ به مثابه مسئله استمرار.....	۲۳
امانت؛ صورت‌بندی مسئولیت در برابر تاریخ.....	۲۶
میراث؛ امانت نهادینه شده.....	۲۷
استخلاف؛ منطق انتقال میراث در بستر زمان.....	۲۹
استمرار؛ بازآفرینی خلاقانه میراث.....	۳۱
منابع.....	۳۳
بخش اول: مبانی امانت و بنیان‌های نظری میراث.....	۳۵
درآمد: امانت به مثابه بنیان معرفتی میراث.....	۳۷
فصل دوم: حقوق فطری تبلور امانت الهی / سید محمد رضا امیری طهرانی.....	۴۱
فصل سوم: تأسی نام به «موازن اسلامی» در ساخت مکتب حقوقی توحیدی: میراث ماندگار در حوزه تقنین، امانت تاریخی برای آینده / طاهر حبیب زاده.....	۵۱
فصل چهارم: تحلیل قرآنی پرهیز از اختلاف و دوستی در کلام رهبر شهید / امیر ذوقی.....	۶۳
بخش دوم: حافظه تمدنی، هویت و بازنمایی فرهنگی میراث.....	۶۹
درآمد: از ایده تا هویت؛ سازوکارهای فرهنگی استمرار.....	۷۱
فصل پنجم: الهیات تشبیع و استمرار میراث؛ از حافظه شهادت تا آینده امت / داود مهدوی زادگان ..	۷۵
فصل ششم: از حافظه تاریخی تا میراث زنده: تحلیل نقش جامعه، نهادها و نخبگان در استمرار میراث فرهنگی / حسن بشیر.....	۷۷
مقدمه.....	۷۷
مبانی نظری: میراث، حافظه و هویت.....	۷۸
تعریف مفاهیم.....	۷۸

۷۸.....	امانت تاریخی
۷۸.....	میراث زنده
۷۸.....	پیشینه پژوهش
۸۰.....	چهارچوب نظری
۸۰.....	نظریه جامعه به مثابه داده تاریخی ابن خلدون
۸۰.....	نظریه حافظه تاریخی هالبواکس
۸۰.....	نظریه حافظه فرهنگی به مثابه سازه هویتی آسمن
۸۱.....	نظریه میراث فرهنگی لوراژان اسمیت
۸۱.....	نظریه گفتمانی فوکو و علم انساب
۸۲.....	روش پژوهش
۸۲.....	بحث و یافته ها
۸۲.....	اول: فرایند تبدیل امانت تاریخی به میراث زنده چگونه صورت می گیرد؟
۸۳.....	(۱) معنابخشی امانت اجتماعی به میراث زنده
۸۳.....	(۲) مشارکت جامعه در محافظت از میراث
۸۳.....	(۳) کارکرد فرهنگی و هویتی نمادهای فکری و فیزیکی
۸۳.....	(۴) بازآفرینی میراث زنده و تطبیق آن با زمان
۸۴.....	دوم: راه های استمرار و تداوم میراث زنده چیست؟
۸۴.....	(۱) انتقال بین نسلی میراث
۸۴.....	(۲) مستندسازی و حفاظت علمی از میراث
۸۴.....	(۳) نهادینه سازی در فرهنگ عمومی جامعه
۸۴.....	(۴) حمایت حقوقی و مدیریتی از میراث
۸۵.....	(۵) کارکرد اقتصادی و اجتماعی میراث
۸۵.....	سوم: چه عواملی استمرار میراث را تهدید می کنند؟
۸۶.....	نتیجه گیری
۸۶.....	منابع

فصل هفتم: منطق تعلق و امانتِ هویت: امر غیرقابل مبادله و تجسد تاریخی آن در اندیشه شهید

۸۹.....	آیت الله خامنه ای / امید شفيعی قهفرخی
۸۹.....	مقدمه
۹۰.....	منطق مبادله و محدودیت های آن در فهم تعلق سیاسی
۹۲.....	منطق تعلق: چگونه هویت، امر غیرقابل مبادله را پدید می آورد؟
۹۴.....	هویت، امر مقدس و امانت: قرائتی از اندیشه آیت الله خامنه ای

جمهوری اسلامی: تجسد تاریخی امانت هویت ایرانی اسلامی	۹۶
نتیجه گیری: استمرار امانت در افق تمدنی	۹۷
فصل هشتم: خوانشی فرهنگی - ارتباطی در پاسداشت میراث / عبدالکریم خیامی	۱۰۱
الف) استمرار میراث؛ محتوا و مفهوم	۱۰۲
ب) استمرار میراث و گفتمان	۱۰۳
ج) میراث و مناسک: ارتباطات آیینی، ارتباطات انتقالی	۱۰۶
نتیجه گیری	۱۰۸
فصل نهم: تراث شیعه در تشیع؛ بازتعریف هویت و اقتدار در الگوواره شهادت فقیه حاکم / سیدجواد حسینی	۱۱۱
مقدمه	۱۱۱
۱. گذار از فقیه مرجع به فقیه مبارز	۱۱۳
۲. از فقیه مبارز به فقیه حاکم	۱۱۴
۳. از فقیه حاکم موسس به فقیه حاکم تثبیت کننده	۱۱۵
۴. از فقیه حاکم به فقیه حاکم شهید	۱۱۶
۵. تشیع فقیه حاکم شهید در مراکز تراث شیعه	۱۱۷
نتیجه گیری	۱۱۹
فصل دهم: استمرار هویت مقاومت بر پایه سوگ، حماسه، عرفان و ادب پهلوانی در فرهنگ ایرانی / کمیل قیدرلو	۱۲۱
مقدمه	۱۲۱
مقاومت به مثابه میراث زنده	۱۲۳
سوگ و حافظه جمعی	۱۲۳
الگوهای اسطوره‌ای؛ از سیاوش تا رستم	۱۲۴
پهلوانی به مثابه اخلاق مقاومت	۱۲۵
سیره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و تراز عدالت رزمی	۱۲۶
عاشورا؛ کانون درهم تنیدگی سوگ، عرفان، حماسه و پهلوانی	۱۲۶
حماسه به مثابه شیوه نهایی مشارکت جمعی	۱۲۷
عرفان و معنابخشی به رنج و کنش	۱۲۸
دفاع مقدس در جنگ رمضان؛ تداوم منطق تاریخی مقاومت	۱۲۹
نهادهای استمرار	۱۲۹
نتیجه گیری	۱۳۰

فصل یازدهم: حکمرانی مبتنی بر حافظه فرهنگی؛ بازتولید هویت ملی و فرهنگی به مثابه میراث

ایرانی - اسلامی از دیدگاه رهبر شهید / نادر جعفری هفتخوانی ۱۳۱

چکیده ۱۳۱

مقدمه و بیان مسئله ۱۳۲

۱. مفاهیم پایه و چهارچوب نظری پژوهش ۱۳۳

۱-۱. حافظه جمعی ۱۳۳

۱-۲. حافظه تاریخی ۱۳۴

۱-۳. یادگیری اجتماعی ۱۳۵

۱-۴. حافظه فرهنگی ۱۳۶

۱-۵. هویت ملی ۱۳۶

۲. پیشینه تجربی پژوهش ۱۳۸

۳. مورد پژوهش: نمونه‌هایی از اقدامات رهبر شهید که هویت ملی و فرهنگی ایرانیان را به مثابه

میراث ایرانی و اسلامی و مبتنی بر حافظه فرهنگی ایرانیان شکل دادند. ۱۴۳

۳-۱. زیارت راهیان نور ۱۴۳

۳-۲. زیارت پیاده روی اربعین ۱۴۴

۳-۳. ترویج ورزش قهرمانی و تجلیل از قهرمانان ورزشی در سطح جهانی ۱۴۶

نتیجه‌گیری ۱۴۹

منابع ۱۵۱

فصل دوازدهم: زیبایی‌شناسی مقاومت؛ واکاوی نشانه‌شناختی کنش غیرکلامی مشت‌گره‌خورده

درگفتمان رهبر شهید / محمدرضا برزویی ۱۵۵

چکیده ۱۵۵

بیان مسئله ۱۵۶

تعریف مفاهیم و اصطلاحات: ۱۵۸

۱- پیام غیرکلامی ۱۵۸

۲- نشانه ۱۵۸

۳. حافظه فرهنگی ۱۵۸

۴. نشانه تمدنی ۱۵۹

تبیین اهمیت موضوع ۱۵۹

روش پژوهش ۱۶۱

یافته‌های پژوهش ۱۶۲

نتیجه‌گیری ۱۶۵

منابع.....	۱۶۶
بخش سوم: نهادهای استمرار امانت و الگوهای حکمرانی	۱۶۹
درآمد: از هویت تا نهاد؛ صورت‌بندی اجتماعی امانت.....	۱۷۱
فصل سیزدهم: نهاد رهبری به مثابه میراث جاری: از گفتمان آفرینی تا معماری پیشرفت و امنیت / حسام‌الدین آشنا	۱۷۵
چکیده.....	۱۷۵
مقدمه: از شهادت تا میراث.....	۱۷۶
چهارچوب نظری: صدقه جاریه، کاریزمای نهادی و زبان راهبردی.....	۱۷۸
زمینه رسانه‌ای بحث: از جهان موازی تا زبان راهبردی.....	۱۸۰
لایه گفتمان ساز: مقاومت، پیشرفت، قله و ایران قوی.....	۱۸۲
لایه پیشرفت ایجابی: علم، فناوری‌های پیشرفته، انرژی هسته‌ای و جوان‌گرایی.....	۱۸۵
لایه نهادی پیشرفت و گفتمان: از سند تا شبکه انسانی.....	۱۸۶
لایه امنیت و بازدارندگی: نهادی سازی بقا در محیط تهدید.....	۱۸۸
بررسی نقدهای غربی: امنیتی‌شدن یا راهبرد بقا؟.....	۱۸۹
تشبیح تاریخی و آزمون صدقه جاریه سیاسی.....	۱۹۲
نتیجه‌گیری: میراث رهبری به مثابه سنت جاریه.....	۱۹۳
منابع.....	۱۹۵
فصل چهاردهم: تجربه امامت و ولایت در حکمرانی انقلاب اسلامی، مورد اقتصاد / عادل پیغامی	۱۹۷
مقدمه اول.....	۱۹۷
مقدمه دوم.....	۱۹۸
شعار سال، جبهه‌سازی ملی حول یک مسئله.....	۱۹۹
سریان مردم‌سالاری دینی و ولایی در اقتصاد مقاومتی.....	۲۰۲
نتیجه‌گیری.....	۲۰۸
فصل پانزدهم: اندیشه فسادستیزی در تراث فکری شهید سیدعلی خامنه‌ای؛ تأملی در حکمرانی سیاسی و حقوقی / سید محمد مهدی غمامی	۲۱۱
چکیده.....	۲۱۱
مقدمه.....	۲۱۲
۱. مبانی و اصول مقابله با فساد.....	۲۱۴
۱-۱. مبانی و چهارچوب نظری اندیشه‌های مقابله با فساد.....	۲۱۴

۲۱۷	۱-۲. اصول مقابله با فساد
۲۱۷	الف) اصل اراده جمعی قوا
۲۱۷	ب) اصل مقابله با گلوگاه‌ها و مبادی (۲۰-۸۰)
۲۱۸	ج) اصل مجازات مؤثر، قطعی و عبرت‌آموز
۲۱۹	د) اصل شفافیت
۲۱۹	ه) اصل سلامت و پاکدستی در مبارزه با فساد
۲۲۰	۲. تقسیم کار بین قوا در مقابله با فساد
۲۲۱	۲-۱. وظیفه مجلس شورای اسلامی در مقابله با فساد
۲۲۲	۲-۲. وظیفه دولت در مقابله با فساد
۲۲۴	۲-۳. وظیفه قوه قضائیه
۲۲۶	۲-۴. وظیفه مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۲۷	نتیجه‌گیری
۲۲۸	منابع

فصل شانزدهم: تحلیل سرمایه اجتماعی و اعتماد در اندیشه و بیانات رهبر شهید آیت‌الله سیدعلی

۲۳۱	خامنه‌ای / مهدی صادقی شاهدانی
۲۳۱	چکیده
۲۳۲	مقدمه
۲۳۳	۱. مفهوم سرمایه اجتماعی و جایگاه اعتماد
۲۳۴	۲. مردم؛ بنیادی‌ترین سرمایه نظام سیاسی
۲۳۵	۳. اعتماد متقابل مردم و مسئولان
۲۳۶	۳-۱. اعتماد اخلاقی
۲۳۶	۳-۲. اعتماد عملکردی
۲۳۶	۳-۳. اعتماد ارتباطی
۲۳۷	۴. مشارکت عمومی؛ نمود عینی سرمایه اجتماعی
۲۳۸	۵. عدالت؛ بنیادی‌ترین منشأ اعتماد عمومی
۲۳۹	۶. مبارزه با فساد؛ شرط بازسازی اعتماد
۲۴۰	۶-۱. آغاز از درون نهادها
۲۴۰	۶-۲. بی‌طرفی و پرهیز از برخورد گزینشی
۲۴۰	۶-۳. اصلاح فرایندهای فسادزا
۲۴۰	۶-۴. اطلاع‌رسانی دقیق
۲۴۰	۶-۵. بازگرداندن حقوق عمومی

۲۴۰.....	۷. ساده‌زیستی مسئولان و حفاظت از بیت‌المال
۲۴۱.....	۸. وفای به عهد و تحقق وعده‌ها
۲۴۲.....	۸-۱. واقع‌گرایی پیش از وعده
۲۴۲.....	۸-۲. قابلیت سنجش
۲۴۲.....	۸-۳. پیگیری نظام‌مند
۲۴۲.....	۸-۴. توضیح صادقانه شکست
۲۴۲.....	۸-۵. عذرخواهی به عنوان ابزار بازسازی اعتماد
۲۴۳.....	۹. شفافیت و گفت‌وگوی صادقانه با مردم
۲۴۴.....	۱۰. کارآمدی و خدمت‌رسانی؛ پایه اعتماد عملکردی
۲۴۵.....	۱۱. وحدت ملی و همدلی اجتماعی
۲۴۶.....	۱۲. امید اجتماعی؛ نتیجه و عامل سرمایه اجتماعی
۲۴۷.....	۱۳. تهدیدهای اصلی سرمایه اجتماعی در منظومه فکری رهبر شهید
۲۴۷.....	۱۳-۱. فساد و ویژه‌خواری
۲۴۷.....	۱۳-۲. تجمل‌گرایی و فاصله مسئولان با مردم
۲۴۷.....	۱۳-۳. وعده‌های تحقق نیافته
۲۴۷.....	۱۳-۴. فقدان شفافیت
۲۴۷.....	۱۳-۵. ناکارآمدی اداری
۲۴۷.....	۱۳-۶. کنار گذاشتن مردم
۲۴۸.....	۱۳-۷. منازعات سیاسی و نفرت‌پراکنی
۲۴۸.....	۱۳-۸. بی‌عدالتی و تبعیض
۲۴۸.....	۱۳-۹. فاصله میان گفتار و عمل
۲۴۸.....	۱۴. الگوی بازتولید سرمایه اجتماعی بر اساس بیانات رهبر شهید
۲۴۹.....	۱۵. دلالت‌های مدیریتی و سیاستی
۲۴۹.....	۱۵-۱. طراحی شاخص سنجش اعتماد عمومی
۲۴۹.....	۱۵-۲. ایجاد سامانه ثبت و پایش وعده‌ها
۲۴۹.....	۱۵-۳. انتشار عمومی تعارض منافع
۲۵۰.....	۱۵-۴. اصلاح نظام رسیدگی به شکایت‌ها
۲۵۰.....	۱۵-۵. تقویت بودجه‌ریزی مشارکتی
۲۵۰.....	۱۵-۶. تدوین منشور صداقت ارتباطی
۲۵۰.....	۱۵-۷. ارزیابی مدیران بر اساس اعتمادآفرینی
۲۵۰.....	۱۵-۸. پیشگیری از قطبی‌سازی اجتماعی
۲۵۰.....	۱۵-۹. پاسخ‌گویی درباره خطاها

۲۵۰.....	۱۵-۱۰. تقویت نهادهای واسط
۲۵۱.....	نتیجه گیری
۲۵۲.....	منابع
فصل هفدهم: میراث حکمرانی امام شهید؛ از مردم سالاری دینی تا بعثت مردم در تمدن نوین اسلامی / میثم لطیفی	
۲۵۵.....	چکیده
۲۵۶.....	مقدمه
۲۵۷.....	مردم سالاری دینی؛ بنیان حکمرانی مردم پایه و مقدمه جامعه پردازی
۲۵۹.....	بعثت مردم؛ مرحله تکاملی مردم سالاری دینی و گذار به جامعه پردازی
۲۶۱.....	سازوکارهای حکمرانی بعثت آفرین؛ از اعتماد به مردم تا جامعه تمدن ساز
۲۶۲.....	حکمرانی امام شهید؛ سازوکارهای برانگیختن مردم
۲۶۴.....	استمرار میراث حکمرانی امام شهید؛ الزامات نهادی بعثت مردم در مسیر تمدن نوین اسلامی ...
۲۶۶.....	نتیجه گیری
بخش چهارم: آینده تمدنی و استمرار تاریخی امانت	
۲۶۹.....	درآمد: از حکمرانی تا افق تمدنی
فصل هجدهم: میراث فکر سیاسی رهبر شهید؛ پایایی، پویایی و آینده نگری / حسن مجیدی ..	
۲۷۵.....	مقدمه
۲۷۷.....	میراث فکر سیاسی آنچه باید استمرار یابد
۲۸۴.....	میراث نهادی؛ از تولید اندیشه تا نهادسازی تمدنی
۲۸۵.....	میراث فکر سیاسی چگونه به میراثی زنده تبدیل می شود و این میراث از چه طریق می تواند استمرار یابد؟
۲۸۶.....	میراث فکر سیاسی امام چگونه به میراث زنده تبدیل می شود؟
۲۸۹.....	استمرار میراث فکر سیاسی رهبر شهید از چه مجاری و نهادهایی تحقق می یابد؟ چه عواملی استمرار را تهدید می کنند؟
۲۹۰.....	عوامل تهدیدکننده استمرار
۲۹۱.....	چگونه می توان میان وفاداری به میراث فکر سیاسی رهبر شهید و نیازهای آینده تعادل برقرار کرد؟
فصل نوزدهم: بعثت آخرالزمان ساز مردم؛ بازخوانی نسبت امام، امت و خواص در مسیر تمدن نوین اسلامی / محمدهادی همایون	
۲۹۳.....	مقدمه
۲۹۴.....	۱. امامت؛ محصول ابتلا و آمادگی برای هدایت

۲. انقلاب اسلامی و مسئله دولت اسلامی	۲۹۵
۳. ظهور مردم مبعوث	۲۹۷
۴. مسئله خواص و شکاف میان آرمان و واقعیت	۳۰۰
۵. جهاد، مقاومت، شهادت و بازسازی اجتماعی	۳۰۲
۶. الزامات تمدنی دوره جدید	۳۰۳
نتیجه گیری	۳۰۵
فصل بیستم: آینده؛ استمرار امانت / علیرضا افضلی و محمدرضا مهدوی هزاوه	۳۰۹
مقدمه: تأملی در نسبت انسان با آینده در افق تمدنی تشیع	۳۰۹
از عاشورا تا انقلاب اسلامی: نهادهای سازی ایدئولوژی مقاومت در امتداد تاریخ	۳۱۲
از جنگ تحمیلی تا فتنه سال ۸۸: آزمون های صعود امت در مسیر استمرار	۳۱۴
از شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی تا شهادت رهبر انقلاب: اوج استمرار و واگذاری نهایی امانت ...	۳۱۶
پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران: عهد استمرار و گسست از شخص	۳۱۸
تشبیح میلیونی آقای شهید ایران: افق امت جهانی و تمدن مهدوی	۳۱۹
نتیجه گیری: امانت در دستان امت و افق تمدن مهدوی	۳۲۲
منابع	۳۲۴
نمایه	۳۲۷

فهرست جدول ها

جدول (۱)	۲۰۹
جدول (۲)	۲۰۹

فهرست شکل ها

شکل (۱): الگوی نظری و مفهومی	۱۳۸
شکل (۲): فرایند شکل گیری یک نشانه تمدنی	۱۶۴
شکل (۳): سیاست های کلی مقابله با فساد	۲۲۷

«بسم الله الرحمن الرحيم»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و براین باور است که علم توأم با ترکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

پژوهشگاه و معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

و الله الحمد

پژوهشگاه و معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

تمدن‌ها بیش از آنکه با جغرافیا، ساختارهای سیاسی یا دوره‌های تاریخی شناخته شوند، با میراث‌هایی شناخته می‌شوند که توانسته‌اند آن‌ها را در طول زمان حفظ، بازتولید و به نسل‌های بعد منتقل کنند. آنچه به یک جامعه امکان می‌دهد از سطح یک اجتماع تاریخی فراتر رود و به یک واقعیت تمدنی تبدیل شود، صرفاً برخورداری از گذشته‌ای مشترک نیست، بلکه توانایی آن در حمل و استمرار امانت‌هایی است که هویت، معنا و جهت حرکت آن جامعه را شکل می‌دهند. از این منظر، تاریخ را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از وقایع و رخداد‌های سپری‌شده دانست؛ تاریخ عرصه انتقال امانت‌هایی است که از گذشته به حال رسیده‌اند و آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند.

کتاب حاضر با عنوان «برمدار میراث؛ روایت استمرار امانت» حاصل تأملی میان‌رشته‌ای درباره همین پیوستار است؛ پیوستاری که در آن امانت، میراث و آینده در نسبت با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. مسئله محوری کتاب آن است که چگونه امام شهید به مثابه یک حقیقت، یک ارزش، یک تجربه تاریخی یا یک دستگاه معنایی می‌تواند از مرزهای زمان عبور کند، در حافظه یک جامعه باقی بماند، در نهادهای آن تجسد یابد و به نیرویی برای ساختن آینده تبدیل شود.

در این چهارچوب، «امانت» مفهومی فراتر از معنای متعارف اخلاقی یا فردی آن می‌یابد. امانت در این کتاب به مثابه یک حقیقت بنیادین فهم می‌شود؛ حقیقتی که در ساحت فطرت انسانی، در نظام ارزشی و هنجاری جامعه، در حافظه تاریخی و در ساختارهای اجتماعی و سیاسی حضور دارد و امکان استمرار یک مسیر تاریخی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، «میراث» نیز صرفاً مجموعه‌ای از یادگارهای گذشته نیست؛ میراث آن بخش از تجربه تاریخی است که همچنان توان معناآفرینی، هویت‌بخشی و

جهت دهی به کنش فردی و جمعی را حفظ کرده است. به همین اعتبار، استمرار میراث نه تکرار گذشته، بلکه بازآفرینی خلاقانه آن در افق نیازها و مسائل هر عصر است.

ساختار این کتاب بر مبنای همین منطق طراحی شده است. بخش نخست با تمرکز بر مبانی نظری و معرفتی امانت، به این پرسش می‌پردازد که اساساً چه چیزی شایستگی آن را دارد که به عنوان میراثی ماندگار تلقی شود و چگونه امانت در ساحت فطرت، حقوق، شریعت و نظم اجتماعی معنا پیدا می‌کند. مقالات این بخش نشان می‌دهند که استمرار تاریخی هر میراث، پیش از هر چیز، بر بنیان‌های معرفتی و هنجاری آن استوار است و بدون پیوند با حقیقت، عدالت و هدایت، امکان تداوم نخواهد داشت.

بخش دوم کتاب به سازوکارهای فرهنگی استمرار اختصاص یافته است؛ جایی که امانت از سطح مفاهیم و مبانی نظری فراتر می‌رود و در قالب حافظه تاریخی، هویت جمعی، نمادها، آیین‌ها، روایت‌ها و تجربه‌های فرهنگی بازتولید می‌شود. در این فصل، میراث به مثابه پدیده‌ای زنده مورد توجه قرار می‌گیرد؛ پدیده‌ای که از طریق حافظه تمدنی، فرهنگ مقاومت، مناسک جمعی و نظام‌های ارتباطی، در متن زندگی اجتماعی حضور پیدا می‌کند و به بخشی از خودآگاهی یک جامعه تبدیل می‌شود.

بخش سوم، گام دیگری در این مسیر برمی‌دارد و به بررسی صورت‌بندی اجتماعی امانت می‌پردازد. اگر در فصل پیشین، میراث در سطح فرهنگ و هویت بازتولید می‌شد، در اینجا در قالب نهادها، ساختارهای اجتماعی و الگوهای حکمرانی تجسد می‌یابد. مقالات این فصل نشان می‌دهند که استمرار امانت تنها در حافظه و فرهنگ تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند نهادهایی است که بتوانند معنا را به عمل اجتماعی تبدیل کنند، اعتماد عمومی را تقویت نمایند و مسیر تحقق عدالت، پیشرفت و انسجام اجتماعی را هموار سازند.

در نهایت، بخش چهارم به افق تمدنی این بحث می‌پردازد. در این بخش، مسئله اصلی دیگر صرفاً حفظ میراث نیست، بلکه نسبت میراث با آینده است. مقالات این فصل بر این نکته تأکید می‌کنند که آینده، عرصه تحقق امانت‌داری تاریخی است و هر جامعه‌ای به اندازه توانایی خود در بازخوانی و بازآفرینی میراث خویش، قادر به ساختن آینده خواهد بود. از این منظر، مفاهیمی چون امت، پیشرفت، آینده‌نگری، مقاومت و

تمدن نوین اسلامی، نه صرفاً موضوعاتی مستقل، بلکه حلقه‌های پایانی زنجیره‌ای هستند که از امانت آغاز شده و به افق تمدنی ختم می‌شود.

اگرچه نویسندگان این مجموعه از رشته‌ها و حوزه‌های دانشی متنوعی همچون حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، مطالعات تمدنی، آینده‌پژوهی و معارف اسلامی به موضوع نگریسته‌اند؛ اما در پس این تنوع، یک مسئله مشترک وجود دارد: چگونه می‌توان امانت‌های تاریخی و معنوی یک جامعه را به گونه‌ای حفظ و بازآفرینی کرد که نه تنها گذشته را به حال پیوند دهند بلکه افق‌های تازه‌ای را برای آینده بگشایند؟

کتاب حاضر پاسخی واحد و نهایی به این پرسش ارائه نمی‌کند بلکه می‌کوشد از رهگذر گفت‌وگوی میان دیدگاه‌های مختلف، ابعاد گوناگون آن را روشن سازد. آنچه مقالات این مجموعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، نه صرفاً اشتراک موضوعی بلکه باور به این حقیقت است که استمرار یک تمدن، در گرو استمرار امانت‌هایی است که هویت آن را شکل داده‌اند. هر نسلی وارث این امانت است و در عین حال مسئول انتقال آن به نسل‌های بعدی. از این رو، امانت‌داری نه صرفاً وظیفه‌ای در قبال گذشته، بلکه مسئولیتی در برابر آینده نیز هست.

از این منظر، «روایت استمرار امانت» تنها عنوان این کتاب نیست بلکه توصیف‌کننده فرایندی تاریخی و تمدنی است که در آن گذشته، حال و آینده در یک پیوستار معنایی به هم متصل می‌شوند. فهم این پیوستار، ما را از نگاه ایستا به میراث فراتر می‌برد و آن را به مثابه سرمایه‌ای زنده برای ساختن فردا پیش روی ما قرار می‌دهد. اگر میراث، یادگار گذشته است، امانت‌داری از آن، هنر ساختن آینده خواهد بود؛ آینده‌ای که کیفیت آن، بیش از هر چیز، به چگونگی فهم، حفظ و بازآفرینی این امانت وابسته است.

این اثر علمی، از ایده‌پردازی و شکل‌گیری اولیه تا مراحل تدوین و تکمیل، مرهون حمایت‌ها و پشتیبانی‌های ارزشمند پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی است. در حقیقت، طرح اولیه این کتاب در بستر دغدغه‌ها و حمایت‌های علمی این پژوهشگاه شکل گرفت و با همراهی مستمر آن مجموعه به مرحله انتشار رسید. بدین وسیله از مدیریت و مجموعه همکاران پژوهشگاه صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. به ویژه لازم

می‌دانم از حجت الاسلام والمسلمین دکتر داود مهدوی زادگان، ریاست محترم پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی، به سبب حمایت‌ها و راهبری‌های علمی، و نیز از جناب آقای دکتر روح الله سلگی، معاون محترم پژوهشی پژوهشگاه، برای همراهی مؤثر در پیشبرد این طرح، قدردانی نمایم. همچنین از جناب آقای دکتر حسین قشقایی که در مراحل مختلف این پژوهش نقش آفرینی و مساعدت داشتند، صمیمانه تشکر می‌کنم. در کنار این حمایت‌ها، از پشتیبانی ویژه جناب آقای دکتر اصغر افتخاری، ریاست محترم دانشگاه و دوست گرانقدر جناب آقای دکتر محمدرضا برزویی نیز سپاسگزارم که با نگاه علمی و تشویق‌های ارزشمند خود، زمینه استمرار و تکمیل این پژوهش را فراهم ساختند. بی‌تردید، بدون این همراهی‌ها و حمایت‌های علمی، تحقق و تکمیل این اثر به سهولت میسر نبود. امید آن است که دستاورد حاضر بتواند، هرچند در حد بضاعت خویش، گامی در مسیر تعمیق معارف اسلامی و انقلابی، ارتقای دانش حکمرانی، و فراهم‌سازی زمینه‌های نظری برای تحقق حکمرانی شایسته و آینده‌نگر در جامعه اسلامی باشد و در پاسخ‌گویی به بخشی از نیازهای علمی و فکری نظام اسلامی سهمی مؤثر ایفا کند.

مرتضی سلمان‌نژاد

رئیس پژوهشگاه و معاون پژوهشی دانشگاه

فصل اول:

از امانت تا آینده؛ الگوی مفهومی استمرار میراث امام شهید

مرتضی سلمان نژاد

استادیار علوم قرآن و حدیث، رئیس پژوهشگاه و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
salmannejad@isu.ac.ir

مقدمه: تاریخ به مثابه مسئله استمرار

﴿كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۚ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ﴾ (سوره رعد: آیه ۱۷).

قرآن کریم در این آیه یکی از قوانین بنیادین تاریخ را بیان می‌کند: ماندگاری از آن حقیقت‌هایی است که برای انسان و جامعه سودمند و حیات‌بخش‌اند، نه پدیده‌هایی که صرفاً با هیاهو و قدرت لحظه‌ای ظهور می‌کنند. از این منظر، مسئله اصلی تاریخ تنها «پیدایش» نیست بلکه «استمرار» است؛ زیرا ارزش یک تجربه تاریخی نه فقط در لحظه تأسیس، بلکه در توانایی آن برای انتقال، بازتولید و حضور در نسل‌های بعد آشکار می‌شود. بخش مهمی از مطالعات تاریخی بر لحظه‌های آغازین، مانند شکل‌گیری انقلاب‌ها، ظهور اندیشه‌ها و نقش شخصیت‌های اثرگذار تمرکز دارد (Carlyle, 1841; Iggers, 2005). با این حال، تجربه ملت‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از جنبش‌ها، با وجود تأثیرگذاری در زمان خود، نتوانسته‌اند از مرز نسل مؤسس عبور کنند. در مقابل، برخی تجربه‌ها به دلیل برخورداری از ظرفیت انتقال، در حافظه جمعی، نهادها، ارزش‌ها و فرهنگ عمومی جامعه استمرار یافته‌اند (مطهری، بی‌تا: ۷۸؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

۱. «خداوند حق و باطل را این‌گونه مثال می‌زند؛ اما کف [روی آب] از میان می‌رود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین ماندگار می‌شود».

از این منظر، ارزش یک رهبر تاریخی تنها به نقش او در آغاز یک مسیر محدود نمی‌شود بلکه به میزان توانایی آن مسیر برای ادامه حیات در شرایط متغیر تاریخی وابسته است. هنگامی که از میراث یک رهبر شهید سخن گفته می‌شود، موضوع صرفاً یادآوری شخصیت یا بازخوانی رخداد‌های گذشته نیست بلکه مجموعه‌ای از معناها، آرمان‌ها، تجربه‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی است که باید در آینده تداوم یابد؛ بنابراین، میراث را باید نه یک یادبود تاریخی، بلکه یک مسئولیت تاریخی دانست.

اگر یک رهبر توانسته باشد سرمایه‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، روحیه خدمت، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، معنویت، عقلانیت، کارآمدی و امید به آینده ایجاد کند، میراث او تنها در نام و خاطره‌اش خلاصه نمی‌شود بلکه در اندیشه‌ها، ارزش‌ها، الگوهای مدیریتی، نهادهای اجتماعی و افق‌هایی که برای آینده ترسیم کرده است، استمرار می‌یابد؛ البته استمرار این میراث به معنای حفظ صورت‌های تاریخی گذشته نیست بلکه نیازمند بازخوانی و بازآفرینی آن در مواجهه با مسائل جدید است.

تاریخ، عرصه انتقال حقیقت‌هایی است که در هر دوره تاریخی صورت تازه‌ای پیدا می‌کنند. هیچ جامعه‌ای صرفاً با رخداد‌های بزرگ ساخته نمی‌شود؛ بلکه آنچه جامعه را به یک موجودیت تاریخی تبدیل می‌کند، توانایی پیوند دادن گذشته، حال و آینده است. جامعه‌ای که نتواند تجربه‌ها و آرمان‌های خود را منتقل کند، ناچار به آغازهای مکرر خواهد شد؛ و جامعه‌ای که گذشته را به قالب‌های ثابت و غیرقابل بازخوانی تبدیل کند، گرفتار جمود می‌شود. استمرار، در نقطه تعادل میان حفظ هویت و پاسخگویی به زمانه شکل می‌گیرد.

در علوم اجتماعی نیز تداوم هویت‌های جمعی وابسته به حافظه جمعی، سرمایه اجتماعی، نهادهای پایدار و روایت‌های مشترک دانسته می‌شود (فرزبد و دیگران، ۱۳۹۷: ۹). هیچ هویتی بدون حافظه باقی نمی‌ماند و هیچ حافظه‌ای بدون انتقال میان نسلی استمرار نمی‌یابد. اختلال در این فرایند، زمینه‌ساز گسست نسلی و فرسایش سرمایه اجتماعی خواهد بود.

در سنت اسلامی نیز استمرار جایگاهی اساسی دارد. قرآن کریم تاریخ را مجموعه‌ای از رخداد‌های پراکنده نمی‌داند بلکه آن را عرصه جریان سنت‌های الهی معرفی می‌کند؛ سنت‌هایی که میان امانت، مسئولیت انسانی و آینده جوامع پیوند برقرار می‌کنند. مفاهیمی همچون امانت، عهد، استخلاف و مسئولیت، همگی ناظر به انتقال و تداوم حقیقت در بستر زمان‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ذیل آیه ۱۳۷ آل عمران؛ ذیل آیه ۴۳ فاطر).

براین اساس، پرسش اصلی این نوشتار آن است که یک تجربه تاریخی چگونه می‌تواند از سطح خاطره به سطح نهاد، از فرد به جامعه و از گذشته به آینده منتقل شود؟ چگونه میراث یک رهبر شهید می‌تواند از نسل نخست فراتر رود و به بخشی از حیات پایدار جامعه تبدیل گردد؟ و چه سازوکارهایی امکان می‌دهند که یک سرمایه تاریخی، به جای آنکه در گذشته متوقف شود، به نیرویی برای ساختن آینده تبدیل شود؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، این نوشتار از چهار مفهوم «امانت»، «میراث»، «استخلاف» و «استمرار» بهره می‌گیرد. امانت، نقطه آغاز مسئولیت تاریخی است؛ میراث، صورت نهادینه شده این امانت در جامعه؛ استخلاف، منطق انتقال آن در طول نسل‌ها؛ و استمرار، نتیجه نهایی این فرایند است؛ یعنی توانایی یک حقیقت تاریخی برای حفظ هویت و حضور مؤثر در شرایط جدید.

حلقه پیوند این چهار مفهوم، «مسئولیت تاریخی» است. هر نسل آنچه را دریافت کرده است، باید حفظ، فهم و غنی کند و در صورتی کارآمدتر به نسل بعد بسپارد. تنها در این صورت است که یک تجربه تاریخی می‌تواند از مرز زمان عبور کند و به بخشی از حیات پایدار یک ملت و تمدن تبدیل شود.

نوآوری این پژوهش ارائه الگویی چهارمرحله‌ای برای توضیح فرایند تبدیل یک تجربه تاریخی به میراث پایدار است؛ الگویی که در آن امانت، بنیان اخلاقی؛ میراث، سطح اجتماعی؛ استخلاف، سازوکار انتقال؛ و استمرار، نتیجه تاریخی این فرایند تلقی می‌شود.

امانت؛ صورت‌بندی مسئولیت در برابر تاریخ

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾ (سوره احزاب: آیه ۷۲).

هرتأملی درباره استمرار یک تجربه تاریخی، از مفهوم «امانت» آغاز می‌شود. هیچ حقیقت تاریخی، فرهنگی یا تمدنی صرفاً به دلیل وقوع خود ماندگار نمی‌گردد. بسیاری از رخدادها و شخصیت‌های بزرگ در حافظه تاریخ ثبت شده‌اند؛ اما تنها آن دسته از تجربه‌ها که به عنوان «امانت» فهم شده‌اند، ظرفیت انتقال به نسل‌های بعد را یافته‌اند. تفاوت میان یک خاطره تاریخی و یک میراث زنده، در همین تبدیل شدن از «یادآوری» به «مسئولیت» است.

آیه امانت در قرآن کریم، انسان را حامل مسئولیتی معرفی می‌کند که آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها از پذیرش آن سرباز زدند. فارغ از تفاوت دیدگاه‌های تفسیری، نکته بنیادین آن است که امانت در منطق قرآن، هم یک دارایی یا شیء قابل نگهداری است؛ و هم تعهدی است که انسان را در برابر آنچه دریافت کرده و آنچه باید به آینده منتقل کند، پاسخگومی سازد. از این منظر، امانت را می‌توان صورت‌بندی قرآنی مسئولیت تاریخی دانست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۳۵۰-۳۵۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۴۴۵-۴۵۳).

هرجا سخن از حفظ یک حقیقت، انتقال یک ارزش یا صیانت از یک مسیر تاریخی باشد، مفهوم امانت حضور پیدا می‌کند. دانش، قدرت، فرهنگ و هویت جمعی، همگی هنگامی معنا می‌یابند که صاحبان آنها خود را مالک مطلق ندانند بلکه مسئول حفظ و انتقال آن به آیندگان باشند. در این نگاه، نسل‌ها صاحبان نهایی سرمایه‌های تاریخی و حلقه‌هایی در زنجیره انتقال آنها به آینده‌اند. بر همین اساس، میراث فکری، فرهنگی و تمدنی رهبر شهید را باید در قالب «امانت تاریخی» فهم کرد. این میراث را نمی‌توان به یک بُعد خاص فروکاست. مفاهیمی همچون معنویت در حیات اجتماعی، استقلال و عزت ملی، عدالت خواهی، مردم‌باوری، پیشرفت علمی، خودباوری، توجه به جوانان،

۱. «همانا ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوهسارها عرضه داشتیم، پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را به دوش کشید؛ [چرا که] او بسیار ستمکار و نادان بود».

امید به آینده و نگاه تمدنی، هنگامی به سرمایه تاریخی تبدیل می‌شوند که از سطح گفتار فراتر رفته و در فرهنگ عمومی، نهادهای اجتماعی و الگوهای کنش جمعی حضور یابند. منطق امانت، نسبت جامعه با میراث تاریخی را از «مالکیت» به «مسئولیت» تغییر می‌دهد. امانت دار نمی‌تواند سرمایه‌ای را که در اختیار او قرار گرفته، مطابق منافع کوتاه مدت مصرف یا از معنای اصلی خود تهی کند. وظیفه او حفظ، تعمیق، تکامل و انتقال آن است؛ بنابراین، امانت داری به معنای وفاداری به اصول بنیادین و توانایی بازآفرینی آنها در شرایط جدید است.

نسل حاضر میان دو سوی تاریخی قرار دارد: از یک سو پیشینیانی که این سرمایه را پدید آورده‌اند و از سوی دیگر آیندگانی که کیفیت انتقال آن به آنان وابسته است. همان گونه که این نسل خالق همه آنچه در اختیار دارد نیست، آخرین وارث آن نیز نخواهد بود. مسئولیت تاریخی آن است که آنچه دریافت کرده، با فهم عمیق ترو ظرفیت بیشتر به نسل بعد منتقل کند.

از این منظر، میراث رهبر شهید تنها هنگامی به یک جریان تاریخی پایدار تبدیل می‌شود که به عنوان امانتی زنده فهم شود. اگر این میراث در سطح یادبودها و تجلیل‌های تاریخی متوقف شود، به تدریج از متن حیات اجتماعی فاصله می‌گیرد؛ اما اگر به عنوان سرمایه‌ای برای تولید معنا، جهت‌دهی به کنش اجتماعی و حل مسائل آینده مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند همچنان اثرگذار باقی بماند.

میراث؛ امانت نهادینه شده

﴿وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ﴾ (سوره صافات: آیه ۱۰۸).

اگر امانت، صورت‌بندی مسئولیت در برابر تاریخ باشد، «میراث» تجسد اجتماعی و تاریخی این مسئولیت است. امانت تا زمانی که در سطح باور و تعهد فردی باقی بماند، در معرض فراموشی و زوال قرار دارد. آنچه یک حقیقت تاریخی را ماندگار می‌کند، عبور آن از سطح افراد و استقرار در حافظه جمعی، فرهنگ عمومی و ساختارهای پایدار اجتماعی است. میراث حاصل همین فرایند است؛ یعنی تبدیل یک مسئولیت تاریخی

به سرمایه‌ای مشترک در حیات یک جامعه (هالبواکس، ۱۳۸۵؛ ریکور، ۱۳۸۹).
 آیه شریفه «وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ» به سنت الهی ماندگاری آثار انسان‌های اثرگذار اشاره دارد. آنچه در میان آیندگان باقی می‌ماند، راه، معنا و حقیقتی است که توانسته از محدوده زمان خود فراتر رود و در دوره‌های بعدی حضور یابد. از این منظر، میراث نه صرفاً «آنچه از گذشته باقی مانده»، بلکه «آن چیزی است که توانسته در آینده ادامه پیدا کند» است.

بر همین اساس، میراث، امانتی است که از سطح تعهد فردی عبور کرده و در لایه‌های عمیق فرهنگ، هویت، حافظه جمعی و نهادهای اجتماعی جای گرفته است. هر تجربه تاریخی زمانی به میراث تبدیل می‌شود که بتواند در وجدان جمعی جامعه، نظام‌های آموزشی، رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و الگوهای کنش اجتماعی حضور پیدا کند.

همه امانت‌ها به میراث تبدیل نمی‌شوند. بسیاری از آرمان‌ها و تجربه‌های تاریخی با پایان یافتن نسل پدیدآورنده خود تضعیف می‌شوند؛ زیرا نتوانسته‌اند از سطح تعلق گروهی فراتر روند. عامل اصلی تبدیل امانت به میراث، توانایی آن در ورود به حافظه جمعی و تبدیل شدن به بخشی از هویت تاریخی جامعه است. در این مرحله، یک اندیشه یا ارزش دیگر متعلق به یک فرد یا نسل خاص نیست، بلکه به سرمایه‌ای مشترک برای جامعه تبدیل می‌شود.

از این منظر، میراث در سه سطح قابل فهم است: نخست، در سطح ارزش‌ها و آرمان‌هایی که جهت حرکت جامعه را تعیین می‌کنند؛ دوم، در سطح روایت‌ها و حافظه جمعی که معناهای مشترک را حفظ می‌کنند؛ و سوم، در سطح نهادها و ساختارهایی که امکان استمرار عملی آن ارزش‌ها را فراهم می‌آورند. تضعیف هریک از این سطوح، فرایند انتقال میراث را با اختلال مواجه می‌کند (هالبواکس، ۱۳۸۵؛ آسمن، ۱۳۹۵؛ برگرو لاکمن، ۱۳۸۷؛ نورث، ۱۳۹۶).

بر این اساس، میراث فکری، فرهنگی و تمدنی رهبر شهید انقلاب اسلامی را باید در نسبت میان معنا و نهاد فهم کرد. ارزش‌های بنیادین تنها زمانی به میراث پایدار تبدیل می‌شوند که از سطح گفتار فراتر روند و در فرهنگ عمومی، نظام تربیتی، تجربه حکمرانی و کنش اجتماعی بازتولید شوند.

بزرگ‌ترین تهدید برای یک میراث تاریخی، هم نقد یا اختلاف نظر درباره آن است، و هم بی‌ارتباط شدن آن با مسائل زمانه است. میراث زمانی زنده می‌ماند که بتواند در هر دوره دوباره فهم شود و با نیازهای جدید پیوند برقرار کند. درمقابل، اگر میراث به مجموعه‌ای از قالب‌های ثابت و غیرقابل بازخوانی تبدیل شود، از ظرفیت اثرگذاری تاریخی آن کاسته خواهد شد.

از همین رو، حفظ میراث مستلزم بازخوانی و بازآفرینی مستمر آن است. جامعه‌ای که بتواند سرمایه تاریخی خود را با شرایط جدید پیوند دهد، در حقیقت آن را استمرار بخشیده است. میراث زنده، میراثی است که در هر نسل دوباره تفسیر می‌شود و توان تولید معنا برای مسائل نورا حفظ می‌کند.

در این چهارچوب، میراث رهبر شهید را باید سرمایه‌ای برای آینده دانست، نه صرفاً موضوعی برای یادآوری گذشته. ارزش این میراث در آن است که بتواند همچنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، علمی و تمدنی الهام‌بخش باشد و به جامعه امکان دهد بر شانه تجربه‌های پیشین، افق‌های جدیدی را دنبال کند.

استخلاف؛ منطق انتقال میراث در بستر زمان

(ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ) (سوره یونس: آیه ۱۴). اگر امانت، مسئولیت پاسداری از حقیقت در برابر تاریخ باشد و میراث، صورت نهاده‌ای شده آن حقیقت در حیات اجتماعی، «استخلاف» سازوکاری است که انتقال این حقیقت را میان نسل‌ها ممکن می‌سازد. استخلاف، منطق عبور یک آرمان از محدودیت عمر افراد و تبدیل آن به جریانی تاریخی است؛ حلقه‌ای که میان میراث و استمرار پیوند برقرار می‌کند.

در منطق قرآن کریم، خلافت به معنای برعهده گرفتن مسئولیت در مسیر تاریخ است. انسان‌ها و نسل‌ها می‌آیند و می‌روند؛ اما ارزش‌ها، آرمان‌ها و مسئولیت‌هایی که حامل آن بوده‌اند، باید استمرار یابند. از این رو، استخلاف پیش از آنکه ناظر به جانشینی اشخاص باشد، ناظر به انتقال مسئولیت‌ها و تداوم رسالت‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق،

۱. «سپس شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه عمل می‌کنید».

ج ۱، ذیل آیه ۳۰ سوره بقره؛ ج ۱۰، ذیل آیه ۱۴ سوره یونس).

این مفهوم در فهم میراث رهبر شهید اهمیت ویژه‌ای دارد. پایان حضور فیزیکی یک رهبر، به معنای پایان مأموریت تاریخی او نیست. آنچه باید استمرار یابد، منظومه‌ای از اندیشه‌ها، ارزش‌ها، تجربه‌ها و جهت‌گیری‌هایی است که در دوران حضور او شکل گرفته است. جامعه در برابر چنین میراثی، جایگاه «خلیفه» دارد؛ یعنی مسئول حفظ، تعمیق و انتقال آن به نسل‌های بعدی.

براین اساس، استخلاف زمانی تحقق می‌یابد که میراث یک شخصیت تاریخی از سطح تعلق به یک فرد یا نسل خاص فراتر رود و به بخشی از حافظه فعال جامعه تبدیل شود. حفظ نام‌ها بدون انتقال معناها، استمرار واقعی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنچه تاریخ را زنده نگه می‌دارد، انتقال اندیشه و جهت‌گیری است، نه صرفاً تکرار خاطره.

جامعه برای تحقق این انتقال، به نهادهای واسطه نیاز دارد. خانواده، نخستین عرصه بازتولید هویت و ارزش‌هاست؛ پس از آن، نظام آموزشی، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمی، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی نقش مهمی در تبدیل میراث از اطلاعات تاریخی به آگاهی اجتماعی ایفا می‌کنند. وظیفه این نهادها انتقال جهان‌بینی، منطق فکری و ظرفیت‌های کنش اجتماعی نهفته در آن میراث است.

استخلاف در عرصه حکمرانی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. تجربه‌های موفق تاریخی زمانی استمرار می‌یابند که در قالب حافظه نهادی، الگوهای مدیریتی و تربیت نسل‌های جدید بازتولید شوند. انتقال تجربه، حفظ دانش انباشته، تربیت مدیران کارآمد و استمرار فرهنگ خدمت، از جلوه‌های عملی استخلاف در سطح اجتماعی و نهادی است.

در سطح تمدنی، استخلاف به معنای ادامه دادن یک مسیر تاریخی فراتر از عمر افراد و نسل‌هاست. هیچ پروژه تمدنی در یک دوره کوتاه به پایان نمی‌رسد بلکه تحقق آن نیازمند مشارکت نسل‌های متوالی است. هر نسل باید آنچه را دریافت کرده است، با درک شرایط زمانه توسعه دهد و به دوره بعد منتقل کند. با این نگاه، استخلاف انتقال مسئولیت ساختن آینده است. نسل حاضر نه آغازگر مطلق این مسیر است و نه پایان‌دهنده آن؛ فراتر حلقه‌ای در زنجیره‌ای تاریخی است که کیفیت عملکرد آن، بر

امکان استمرار یک میراث تأثیر می‌گذارد.

در نهایت، استخلاف حلقه اتصال میان امانت، میراث و استمرار است. امانت بدون سازوکار انتقال، در معرض فراموشی قرار می‌گیرد؛ میراث بدون حاملان تاریخی، توان بقا ندارد؛ و استمرار بدون استخلاف تحقق نمی‌یابد. از این‌رو، جامعه‌ای که خود را وارث یک سرمایه تاریخی می‌داند، باید هم آن را حفظ کند، و هم مسئولانه به نسل‌های آینده منتقل سازد؛ همان آزمونی که آیه شریفه با تعبیر *(لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ)* بر آن تأکید می‌کند.

استمرار؛ بازآفرینی خلاقانه میراث

*(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا)* (سوره ابراهیم: آیات ۲۴-۲۵).

آخرین حلقه این منظومه، «استمرار» است؛ مفهومی که از پیوند میان امانت، میراث و استخلاف پدید می‌آید. اگر امانت، مسئولیت تاریخی انسان در برابر حقیقت باشد، میراث صورت نهاده‌شده این حقیقت در جامعه و استخلاف سازوکار انتقال آن میان نسل‌هاست، استمرار نتیجه موفق این فرایند است؛ یعنی توانایی یک حقیقت تاریخی برای حفظ هویت خود و درعین حال حضور مؤثر در شرایط جدید.

تمثیل قرآنی «شجره طیبه» تصویری روشن از مفهوم استمرار ارائه می‌دهد. درخت زنده، ریشه‌ای ثابت دارد اما در هر فصل میوه‌ای تازه می‌دهد. ماندگاری آن نه در توقف و تکرار، بلکه در توانایی زایش و ثمردهی مستمر است. استمرار نیز چنین معنایی دارد: وفاداری به ریشه‌ها همراه با توانایی پاسخگویی به نیازهای تازه.

یک میراث زمانی زنده می‌ماند که اصول بنیادین خود را حفظ کند و آنها را در قالب‌های متناسب با شرایط جدید به کار گیرد. تکرار، بازگشت به صورت‌های گذشته است؛ اما استمرار، حفظ روح و جهت‌گیری‌های اصلی در شرایط متحول تاریخی است. یکی از مهم‌ترین تمایزها در این زمینه، تفاوت میان «وفاداری» و «جمود» است. وفاداری به میراث، به معنای پایبندی به مبانی و ارزش‌های اصلی آن است؛ درحالی‌که

۱. «آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن در زمین ثابت و استوار است و شاخه آن در آسمان قرار دارد؟ * [و] هر زمان، میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد».

جمود، حفظ همه قالب‌های تاریخی گذشته بدون توجه به تغییر شرایط است. جامعه‌ای که میان این دو تمایز قائل نشود، یا از ریشه‌های خود جدا می‌شود یا در گذشته متوقف خواهد ماند.

بر همین اساس، استمرار نیازمند نوعی عقلانیت تاریخی است؛ توانایی تشخیص میان اصول ثابت و روش‌های متغیر. اصولی مانند عدالت، استقلال، معنویت، مردم‌باوری، پیشرفت و مسئولیت اجتماعی، عناصر پایداری یک میراث تاریخی‌اند؛ اما شیوه تحقق آنها باید متناسب با مسائل و شرایط هر دوره بازتعریف شود. استمرار زمانی شکل می‌گیرد که جامعه بتواند میان حفظ هویت و امکان تحول تعادل برقرار کند.

در این چهارچوب، مفهوم «بازآفرینی» جایگاهی اساسی دارد. بازآفرینی به معنای کشف ظرفیت‌های نهفته در میراث و فعال کردن آنها در مواجهه با مسائل جدید است. بسیاری از سرمایه‌های فکری و فرهنگی یک تجربه تاریخی، در هر دوره امکان ظهور تازه‌ای پیدا می‌کنند و می‌توانند پاسخگوی نیازهایی باشند که در زمان شکل‌گیری اولیه آن تجربه وجود نداشته‌اند.

هر نسل در برابر میراث تاریخی دو وظیفه هم‌زمان دارد: حفظ و توسعه. حفظ بدون توسعه، به جمود می‌انجامد و توسعه بدون حفظ، به گسست از هویت تاریخی منجر می‌شود. مسئولیت نسل‌ها آن است که میراث دریافتی را بفهمند، تفسیر کنند، متناسب با شرایط زمانه به کار گیرند و آن را در سطحی غنی‌تر به نسل بعد بسپارند.

در سطح تمدنی نیز استمرار به معنای تداوم یک پروژه تاریخی در طول نسل‌هاست. هر تمدنی نیازمند بازتولید مستمر سرمایه‌های معنوی، علمی، فرهنگی و اجتماعی خود است. تمدنی که نتواند منابع معنایی خویش را با زبان زمانه بازآفرینی کند، به تدریج دچار فرسایش می‌شود؛ اما تمدنی که توان ترجمه میراث خود به مسائل جدید را داشته باشد، همچنان پویا و اثرگذار باقی خواهد ماند.

خانواده، نظام آموزشی، دانشگاه، حوزه‌های علمی، رسانه و نهادهای فرهنگی، کارگزاران اصلی این استمرارند. نقش آنها انتقال اندیشه، آرمان و افق‌های آینده‌ساز آنان به متن زندگی اجتماعی است. در عرصه حکمرانی نیز استمرار زمانی تحقق می‌یابد که

تجربه‌ها، ارزش‌ها و الگوهای موفق در قالب حافظه نهادی و تربیت نسل‌های جدید بازتولید شوند.

در نهایت، استمرار را باید گفت‌وگوی دائمی میان ریشه و رویش دانست؛ میان گذشته‌ای که هویت می‌بخشد و آینده‌ای که نیازمند پاسخ‌های تازه است. میراث تنها زمانی زنده می‌ماند که مانند شجره طوبه قرآنی، ریشه در اصول ثابت داشته باشد و در هر دوره میوه‌ای متناسب با نیازهای جامعه به بار آورد.

از این رو استمرار، عالی‌ترین صورت امانت‌داری تاریخی است. امانت‌هنگامی به ثمر می‌رسد که به نیرویی زنده برای ساختن آینده تبدیل شود؛ آینده‌ای که در آن میراث گذشته به عنوان سرمایه‌ای پویا برای تولید معنا، هویت و حرکت تاریخی جامعه حضور داشته باشد.

منابع

- آسمن، یان (۱۳۹۵)، *حافظه فرهنگی؛ نوشتار، یادآوری و هویت سیاسی در تمدن‌های نخستین*؛ ترجمه محمدرضا رسولی، تهران: نشر آگه.
- برگر، پیترا ل. و لاکمن، توماس (۱۳۸۷)، *ساخت اجتماعی واقعیت*؛ ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- ریکور، پل (۱۳۸۹)، *حافظه، تاریخ، فراموشی*؛ ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: نشر نی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق)، *تفسیر المیزان*؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فرزید، محمد مهدی؛ رضایی احمد و علیزاده چوب بستی، حیدر جان (۱۳۹۷)، «حافظه جمعی و هویت ایرانی»، *مجله مطالعات ملی*، دوره ۱۹، ش ۱ (۷۳).
- مطهری، مرتضی (بی‌تا)، *جامعه و تاریخ*، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نورث، داگلاس سی. (۱۳۹۶)، *نهادها، تغییر نهادی و عملکرد اقتصادی*؛ ترجمه محسن
رنانی و محمدصادق مهدوی، تهران: نشرنی.
هالبواکس، موریس (۱۳۸۵)، *حافظه جمعی*؛ ترجمه محمدامین قانع‌راد، تهران:
نشرنی.

Carlyle. Thomas (1841), *On Heroes, Hero-Worship and the Heroic in History*.
London: James Fraser.
Iggers. Georg G. (2005), *Historiography in the Twentieth Century: From Scientific
Objectivity to the Postmodern Challenge*. Wesleyan University Press.
<https://namayeh.dckhi.ir>

بخش اول:

مبانی امانت و بنیان‌های نظری میراث